



بسم الله الرحمن الرحيم

لازم است اولاً این روز بزرگ را به همه ی کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیز به ملت ایران تبریک عرض کنم.

آنچه که در روز نوزدهم بهمن در سال 57 اتفاق افتاد، بدون شك يك نقطه ی عطف بود. جمعی از کارکنان نیروی هوایی با يك حرکت خودجوش - که نشاندهنده ی برآیند همه ی احساسات و ذهنیات در آن نیرو بود - اقدام به کاری کردند که آخرین ضربه را بر پیکر محتضر رژیم طاغوت وارد کرد. هم کار بسیار شجاعانه بود، هم بسیار هوشمندانه بود. اینجور حوادث که در ظرف زمانی مورد نیاز و بهنگام اتفاق می افتد، گاهی میتواند سرنوشت يك ملت را تغییر بدهد یا آنها را در راه سرنوشتشان سرعت مضاعف ببخشد. نیروی هوایی، آن روز این کار را کرد؛ حرکت بسیار بزرگی بود؛ راه را باز کرد بر روی بسیاری از مردم. همانطور که در این سرود زیبایی که این عزیزان اجرا کردند گفته شده «اولینم که دل دادم به رهبر»، حقیقتاً همینجور بود. این حرکت، حرکت ریشه داری بود؛ اینجور نبود که امروز فکر کنند، فردا راه بیفتند؛ همانطور که اشاره کردم این يك برآیندی بود از مجموعه ی آنچه که در نیروی هوایی، از احساسات و ذهنیات و عقلیات میگذشت، که در زمان مناسب به این شکل بروز کرد. لذا این روز، روز مهمی است؛ روز بسیار مبارکی است.

بازخوانی حوادث تاریخی اساساً به این منظور است که درسهای آن و عبرتهای آن برای نسلهای بعد باقی بماند. درس این حادثه برای ملت ایران در همه ی دورانیها يك درس زنده است. اقدام شجاعانه، قدرتمندانه، با اتکاء به نفس و برخاسته ی از يك عقلانیت صحیح و برخاسته ی از يك ایمان شورانگیز. اگر ایمان هم نبود، نمیتوانست این حرکت اتفاق بیفتد. و مجموعه ی انقلاب ما از آغاز تا انجام، مظهر يك چنین حقیقتی است: يك فکر درست و هوشمندانه، همراه با ایمان شورانگیز، همراه با شجاعت و اقدام و نهراسیدن از آنچه که در این راه پیش خواهد آمد. این عناصر اصلی است که يك ملت را بالا میکشد؛ فقدان اینهاست که يك ملت را تحقیر میکند.

ملت ایران در دوران طاغوت روزگار سختی را گذراند. این ملت با همه ی پیشینه های عزتمند تاریخی، به وسیله ی بیگانگان تحقیر میشد. ارتش تحقیر میشد، ملت تحقیر میشد، مسئولان کشور در همه ی رده ها تا بالاترین رده تحقیر میشدند، نخبگان جامعه تحقیر میشدند؛ به وسیله ی آن عناصری که خود را فراتر از این حرفها میدانستند و به چشم يك مزرعه ای که باید اینجا را درو کنند و لگدمال کنند و بچرند و ببرند، به ایران نگاه میکردند. ملت ایران در مقابل این ایستاد.



انقلاب اسلامی عزت را جایگزین تحقیری کرد که بیگانگان بر این ملت روا می‌داشتند؛ استقلال را جایگزین آن وابستگی تلخ و ذلت بار میکرد؛ ایستادگی و اقتدار را جایگزین آن تسلیم محض در مقابل بیگانگان کرد. آن روز، مسئولین کشور بزرگ ما در مقابل بیگانگان، در رده های مختلف و در اساسی ترین مسائل کشور تسلیم بودند؛ یعنی در هر مسئله ای که اراده بیگانگان - یک دوره انگلیس، در دوره ی چند ده ساله ی بعد هم امریکا - به آن تعلق میگرفت، در داخل تحقق پذیر بود؛ تا آنجائی که به دست مسئولان این کشور بود. و ملت مجبور بود تحمل کند؛ تسلیم پذیری مطلق. انقلاب این حالت تسلیم پذیری را به حالت اقتدار و ایستادگی تبدیل کرد؛ آن وابستگی را به استقلال تبدیل کرد؛ آن حقارت را به عزت تبدیل کرد؛ آن حکومت مطلقه ی موروثی غیرمنطقی بی مبنا (سلطنت) را به حکومت مردم و مردم سالاری تبدیل کرد. انقلاب بکل پایه های ویرانگر انسانی را که ارزشهای انسانی را ویران میکرد و در داخل کشور به وسیله ی رژیم طاغوت در طول سالهای متمادی بنا گذاشته شده بود، ویران کرد؛ پایه های جدیدی ساخت که هویت جدیدی برای کشور به وجود آورد.

ارتش هم هویت جدیدی پیدا کرد. امروز ارتش هویتش با هویت ارتش دوران طاغوت بکلی متفاوت است. امروز شما حافظ منافع مردمید؛ آن روز ارتش موظف بود که حافظ منافع سلطنت و رژیم طاغوت و عناصر وابسته و پلیید حاکم بر این کشور باشد. امروز شما در مقابل دشمن احساس عزت میکنید؛ خودتان میسازید، خودتان فرا میگیرید، خودتان تحقیق و پژوهش میکنید؛ آن روز مجبور بودید هرچه آنها میدهند، چشم بسته قبول کنید. اینهاست که یک ملت را وقتی وارد این جاده شد، به اوج ترقی و عظمت میرساند. لذا ملت ایران راه پیشرفت را پیدا کرد و حرکت کرد. هزینه هایش را هم پرداختیم؛ این ملت در راه آرمانها میدانست و میداند که باید هزینه پردازد؛ بدون پرداختن هزینه نمیشود به اوج رفت. این هزینه را پرداختیم، اما به توفیق الهی پیش رفتیم.

امروز ملت ایران عزیز است؛ الهام بخش است؛ نظام جمهوری اسلامی یک نظام مقتدر شناخته شده است و کشورهای گوناگون، قدرتهای مختلف - منطقه ای و فرامنطقه ای - در مقابل عظمت ملت ایران ناچار به اعتراف هستند و عظمت این ملت را اعتراف میکنند. در همه ی زمینه ها ملت ایران توانائی خود را، قدرت خود را نشان داد. قدر این را باید دانست.

و شما جوانان عزیزی که در نیروی هوائی جمهوری اسلامی به خدمت مشغول هستید، همین عناصر را در تداوم کارتان بایستی مورد ملاحظه قرار بدهید و همینها را دنبال کنید. نیروی هوائی باید رشد کند، باید پیشرفت کند، باید همین اقتدار و عزتی را که به دست آورده است، مضاعف کند. در دوران دفاع مقدس نیروی هوائی خوب آزمایشی داد؛ بعد از دوران دفاع مقدس هم کارهای بزرگی در این نیرو انجام گرفته است. این راه را باید ادامه بدهید؛ راه تکامل هرگز متوقف شدنی نیست و این بسته به همت شما جوانان در رده های مختلف در نیروی هوائی است. آینده مال شماست؛ کشور متعلق به شماست؛ ارتش و نیروی هوائی متعلق به شما کارکنان ارتش جمهوری اسلامی و نیروی هوائی است؛ و شما پیشرفتتان پیشرفت ملت است، پیشرفت کشور است. خودتان را نیرومند کنید؛ این نیرومندی فقط هم به ابزار مادی نیست؛ نیروی ایمان، نیروی اراده و عزم راسخ و تصمیم بر پیشرفت؛ این را در خودتان تقویت کنید؛ روزه روز پیش بروید.



خوشبختانه ملت در این راه جدی است. خیلی سعی کردند اراده ی ملت را با شیوه های مختلف درهم بشکنند و نتوانستند. آنچه مهم و بسیار امیدبخش است، این است که ما در این بیست و هشت، نه سال به طور پیوسته در حال حرکت به جلو بوده ایم؛ توفقی وجود نداشته است. همه ی مانورهای سیاسی، تحرکات گوناگون، مسئولیتهای مختلف در دوره های مختلف، برآیند همه، عبارت است از یک حرکت منظم رو به جلو برای ملت ایران؛ و این ادامه پیدا خواهد کرد. دشمن خیلی سعی میکند این حرکت را متوقف کند؛ اما نتوانسته است و نخواهد توانست. و این را امروز اعتراف هم میکنند. اگر خبرهای جهانی را پیگیری کنید، می بینید امروز همه ی لحنها در محافل سیاسی، در مراکز تصمیم سازی و تصمیم گیری در دنیا و در مراکز قدرت جهانی، لحن ستایش از ملت ایران است. البته بعضی خصمانه و همراه با کینه توزی یا همراه با حسادت، بعضی هم در گوشه و کنار همراه با شیفتگی، همراه با خرسندی؛ این مال مسئولان کشورها و سیاستمداران است، اما در مورد ملتها، عموماً یا غالباً همین دومی است؛ ملتها شیفته ی ملت ایرانند. مسئولین کشور هر جا در مقابل ملتهای مسلمان و حتی در مواردی ملتهای غیرمسلمان ظاهر میشوند، این شیفتگی را مشاهده میکنند. این به خاطر ایستادگی ملت ایران است و این ادامه پیدا خواهد کرد.

یاد انقلاب را که ملت ما گرامی میدارد، به خاطر همین است؛ این برای این است که معلوم بشود آن عامل حرکت بخش و عزت بخشی که ملت ایران را در این مسیر پرافتخار به راه انداخت، آن عامل در دل مردم ما زنده است. ما راهپیمائی 22 بهمن را در پیش داریم؛ خواهید دید ملت عزیز ما امسال هم مثل سالهای گذشته و پرشورتر از گذشته - که هر سال پرشورتر از سالهای قبل بوده است - وارد عرصه ی نگاههای جهانی خواهد شد. این حضور مردم را در راهپیمائی 22 بهمن دست کم نباید گرفت؛ این خیلی چیز عظیمی است. سالگردهای انقلابها، سالگردهای روزهای ملی در کشورها را با این حرکت عظیم مردم در کشور عزیز ما مقایسه کنید. سالگرد انقلاب ما یک مراسم خشک و رسمی نیست؛ یک مراسم صددرصد مردمی است. مردم در سرمای سخت، در گرمای سوزان، در همه ی شرائط، آنجائی که لازم است در صحنه باشند، شرکت میکنند و در 22 بهمن، همه ساله، ملت این عرصه را مغتنم میشمارند و وارد میدان میشوند و حضور خودشان را به رخ همه ی دشمنان و مخالفان میکشند. این در دنیا دیده میشود. ممکن است در زبانها، در لحنها جور دیگری تعبیر کنند؛ جمعیت را کم شمار معرفی کنند؛ جمعیتهای میلیونی را مثلاً به صورت چند هزار در تبلیغات بگویند؛ این کارها در تبلیغات میشود؛ اما آنهایی که باید بفهمند ملت ایران در چه حال است، میفهمند؛ واقعیتها را می بینند؛ حضور مردم، اراده ی مردم، دلبستگی مردم به انقلاب، وابستگی مردم به محتوای عظیم انقلاب را اینها احساس میکنند.

روز 22 بهمن و راهپیمائی 22 بهمن مظهر اقتدار ملی است؛ مظهر اقتدار ملت ایران است؛ مظهر حضور مردمی و اراده و عزم ملی ملت ایران است که مرد و زن و پیر و جوان، در همه ی شرائط به خیابانها می آیند و خودشان را در سرتاسر کشور در مقابل چشم بینندگان قرار میدهند؛ این خیلی با عظمت است.

یک جمله ای راجع به مسائل کشور عرض بکنم، یک جمله هم راجع به مسائل مهمی که امروز مبتلابه دنیای اسلام



آنچه مربوط به مسائل کشور است، مهمترین مسئله، مسئله ی انتخابات است. انتخابات یکی از آن عرصه های بسیار حساس و تعیین کننده است. اگر هر دوره ای از این دوره های انتخابات را شما ملاحظه کنید، تحلیل کنید، خواهید دید در هر کدام از انتخاباتهای ما - چه انتخابات مجلس، چه انتخابات ریاست جمهوری و بعضی انتخاباتهای دیگر - در هر برهه ای سعی گردانندگان تبلیغات خصمانه ی استکبار جهانی بر این بوده است که حضور مردم را کم رنگ کنند؛ انگیزه ی مردم را کم کنند؛ همت آنها را، امید آنها را نسبت به انتخابات از بین ببرند یا کم رنگ کنند. البته به توفیق الهی نتوانسته اند. این نشاندهنده ی اهمیت انتخابات است. آن کسانی که دم از دموکراسی و مردم سالاری و حقوق مردم و نظامهای مردمی میزنند و با این بهانه کشورگشائی میکنند، کشتار میکنند، فاجعه آفرینی میکنند، آنها در مقابل مردم سالاری ملت ایران درمانده اند. این برای آنها يك مشکل حل ناشدنی است. نمیدانند چه بکنند با این حادثه، چه بگویند. از رژیم کودتائی حمایت میکنند، از رژیمهای موروثی حمایت میکنند، از کشورهایی که هیچوقت در آنها آراء مردم مرجع نبوده است برای تشکیل حکومت، پشتیبانی میکنند، آن وقت در مقابل ملت ایران که اینجور آزادانه وارد میدان میشود و قانونگذار را، مجری را و مسئولیتهای اساسی را انتخاب میکند، چه میتوانند بگویند؟ در مقابل چشم مردم دنیا چه کار میتوانند بکنند؟ ناچارند یا بگویند آزادی نیست یا بگویند مردم شرکت نکردند، یا اگر بتوانند انتخابات را تعطیل کنند؛ کما اینکه در يك برهه ای همت آنها به وسیله ی بعضی از عناصر فریب خورده این بود که انتخابات را بکلی تعطیل کنند، که اصلاً انتخابات انجام نگیرد؛ ولی به فضل خدا نتوانستند این کار را بکنند؛ اما همتشان این بود. این اهمیت انتخابات را نشان میدهد.

آنچه در انتخابات بسیار مهم است، حضور عمومی مردم است؛ همه باید در انتخابات شرکت کنند؛ این يك وظیفه ی ملی است؛ این چیزی نیست که با بودن دولت دولتهای مختلف، روی کار بودن جریانهای مختلف، جناحهای مختلف، تغییر بپذیرد. انتخابات يك فریضه است؛ همه باید شرکت کنند؛ همه باید خود را موظف بدانند برای اینکه در انتخابات شرکت کنند. بهانه جوئی نباید بشود. بعضی از حرفها بهانه جوئی است. گاهی بهانه جوئی حقیقی است، گاهی بهانه جوئی برای این است که مردم دلسرد بشوند. انتخابات در کشور ما در مقایسه ی با انتخاباتهای که ما می بینیم در دنیا دارد انجام میگیرد و خبرش را داریم، جزو سالمترینهاست؛ انتخابات خوبی است.

البته من به مجریان انتخابات توصیه کرده ام، الان هم توصیه میکنم: باید بشدت قانون را رعایت کنند. حد و مرز، قانون است. همه باید الزامات قانونی را بپذیرند و تسلیم الزامات قانونی بشوند. قانون حد فاصل حق و باطل است در حرکت و مشی ملت و مسئولین. قانون را نباید دور زد. این باید رعایت بشود؛ بحمدالله رعایت هم میشود. ما هم توصیه داریم میکنیم که با مراقبت و دقت بیشتر قانون را رعایت کنند؛ به کسی ظلم نشود، حق کسی تضییع نشود؛ حق مردم در طرف مقابل، تضییع نشود، که آدمهای ناباب و ناصالح، صالح معرفی نشوند؛ آدمهای صالح هم از حق خودشان محروم نمانند، ناصالح معرفی نشوند. این رعایتی است که باید همه بکنند. اما آنچه که اصل است، حضور در انتخابات است؛ باید همه در انتخابات شرکت کنند؛ این يك وظیفه ی عمومی است.



البته فرصت هست تا روز انتخابات و من تا آن وقت باز هم عرائضی به ملت عزیزمان خواهم داشت. این را عرض کردیم تا کسانی که در زمینه ی انتخابات فکر میکنند، حرف میزنند، سیاستگذاری میکنند، اجرا میکنند، اقدام میکنند، با توجه به اهمیت این مسئله کار خودشان را دنبال کنند.

در زمینه ی مسائل دنیای اسلام هم به نظر ما امروز مسئله ی فلسطین و مصیبت غزه يك مسئله ی عمومی است ؛ مخصوص همان مردمی که در آنجا ساکن هستند، نیست این مسئله ؛ مال دنیای اسلام است ؛ مال همه ی خاورمیانه است ؛ به يك معنا مسئله متعلق به همه ی ملتهاست.

يك سیاست خاورمیانه ای سرتاپا غلط و جنایت بار از سوی دولت ایالات متحده ی امریکا وجود دارد. سیاست خاورمیانه ای آنها تکیه اش به طور کامل به تأمین منافع امریکا در این منطقه است ؛ سر ملتهای این منطقه هرچه میخواهد بیاید، بیاید. یعنی دهها میلیون یا صدها میلیون ملتتهائی یا مردمی که در این منطقه زندگی میکنند، منافعشان هیچ ؛ پامال بشوند، تحقیر بشوند، کشته بشوند، داغدار بشوند، فشارهای زندگی آنها را در هم بشکنند، اهمیتی ندارد، برای اینکه منافع امریکا در منطقه تأمین بشود. این پایه ی سیاست امریکا در منطقه ی خاورمیانه است. این البته چیز جدیدی نیست ؛ ملتها هم این را میدانند، دولتها هم این را میدانند ؛ لیکن در عین حال گاهی انسان مشاهده میکند در رفتاری که باید در مقابل این سیاست انجام بگیرد، کوتاهی میشود.

ملت غزه، ملت فلسطین امروز با قدرت ایستاده اند ؛ جای تحسین دارد ؛ حقیقتاً باید این ملت را تحسین کرد. زیر این فشار عظیم اقتصادی از يك طرف، و تهاجم و کشتار و فاجعه آفرینی و تخریب و حملات گوناگون، آتشباری بر روی زن و کودک از يك طرف دیگر، در عین حال این ملت ایستاده اند. هدف آنها این است که بین این ملت و بین دولت منتخبشان جدائی بیندازند و هر کار میخواهند بکنند و آن سیاست را اجرا کنند. نشستند آن کنفرانس تاریخی را - که کنفرانس بسیار ننگینی بود برای این منطقه - راه انداختند، نتیجه اش شد این. نتیجه ی نشستن با امریکا و با صهیونیست غاصب و درباره ی منطقه رایزنی کردن و تصمیم گیری کردن، همین است. رئیس جمهور امریکا آمد منطقه و رفت، این آتش به جان مردم و زن و کودک منطقه ی غزه افتاد ؛ این محاصره، این کشتار.

مذاکره کردن با اینها - در حالی که هدف آنها روشن است در این منطقه - چه فایده ای دارد؟ دولتهای اسلامی باید تصمیم بگیرند ؛ محاصره ی غزه را باید ابطال کنند. ملت و دولت مصر در این زمینه وظیفه ی بزرگی برعهده دارند ؛ همه ی ملتهای مسلمان هم بایستی کمک کنند تا دولت و ملت مصر بتواند به وظیفه ی خودش در این زمینه عمل کند. يك زندان بزرگ يك میلیون و نیمی درست کنند و زن را، کودک را، بچه را، از گرسنگی، از بی سیری، از تشنگی، از نبودن سوخت، از نبودن گرما در زمستان سخت، آنجور بیازارند، مزارعشان را نابود کنند، باغاتشان را نابود کنند، تجارتشان را از بین ببرند ؛ به اینها اکتفا نکنند ؛ حملات هوائی و زمینی هم بکنند. این قابل تحمل است؟ نباید غاصبان و پشتیبانانسان بتوانند از عناصر دیگری از فلسطینی ها علیه این مردم مظلوم استفاده کنند. اگر چنین



اتفاقی بیفتد، این ننگ بر روی پیشانی آنها تا ابد خواهد ماند. نباید از دولتهای عرب بتوانند در این زمینه استفاده کنند. این يك مسئله ی بسیار مهم است.

راهی هم که ملت فلسطین برگزیده است، همان راه درست است ؛ یعنی راه مقاومت، راه ایستادگی و همین است که بالاخره ملت فلسطین را نجات خواهد داد.

امیدواریم خداوند متعال همه ی ما را به وظائفمان آشنا کند. ملتهای اسلامی را در راه درست، دستگیر، هدایت کننده و کمکگار باشد ؛ دولتهای اسلامی را به راه درست هدایت کند. ان شاءالله بتوانیم مشکلات دنیای اسلام را خود ما مسلمانها حل کنیم و با همدلی و همبستگی و همکاری، ان شاءالله دشمن را ناکام کنیم. امیدواریم خداوند روح شهدای عزیز ما را با شهدای صدر اسلام، با پیغمبر و سیدالشهدا (علیهم السّلام) محشور بفرماید و امام بزرگوار ما را ان شاءالله با اولیائش محشور کند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته